



محترم محمد عالم افتخار

## «حکومت اسلامی به مثابه‌ی پیراهن عثمان»

### درنگی بر ویسایت وزین "اطلاعات روز"

در تاریکی که با آشوب و انارشی و طوفان نیز توأمان باشد؛ روشنی و روشنگر راهنما و نجات بخش؛ برترین و مبرمترین خواسته و نعمت است. امروزه بدبختانه مردمان ما یا بالفعل خود و عزیزان خویش را در اعماق همچو تاریکی پُر آشوب و طوفانی می یابند یا بالقوه در فردا و پس فردای نزدیک خویش بیم و وحشت آنرا حس و دریافت میدارند.

البته ناگفته باید واضح باشد؛ که مراد از این تاریکی به غایت سیاه و شوم؛ چیزی در موجودیت درخشش تمام و کمال آفتاب ظهر تابستان نیز میباشد؛ چرا که واقعیت عینی و مادی نیست؛ چیزست ذهنی و بین الادهانی که نور خورشید و هیچ منبع روشنایی عینی و مادی قدرت شگافتن و زایل کردن آنرا ندارد.

روشنگر و زوال بخش این تاریکی به غایت سیاه و شوم ذهنی و بین‌الذهانی؛ مسلماً بایستی از جنس خودش؛ روشنایی و تلالوی ذهنی و بین‌الذهانی باشد؛ چنین منابعی را صرف میتوان در گنجینه‌های شناختی؛ جریانات تبادل اطلاعات و در تبارزات اذهان و عقل‌های بروز شده فرهنگیان پیشرو آزاده دریافت کرد و به بهره‌اندوزی گرفت.

در روزگار ما کتاب‌ها و مطبوعات، رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی به یمن پیشرفته‌ترین تکنوژیها ما را با سهولت‌ها و وفور گسترده خواسته‌ها و جستجو‌ها؛ به این روشنایی‌های جادویی اتصال می‌بخشایند. البته بلافاصله باید قید مؤکد نمود که این گستره کماکان میدان جنگ و خدعه و فریب شیطانی نیز هست و چه بسا آنچه در آنها برای تشنگان آب؛ می‌نماید؛ سرابی باشد هلاکتبار.

لذا برای ما انسانها که صفت پرطمطراق «خردمند» را با گونه‌خویش‌پدک میکشیم؛ آنقدر هوش و فراست به خرچ دادن الزامی است که پروای چاه و چاله و سراب و مرداب را داشته باشیم و دنبال روشنایی‌ها و روشنگری‌های راهگشا و نجات‌بخشا برویم و جهت‌ایقان و اطمینان؛ بسیار شک و تردید و بازآزمایی کنیم و محک‌های تجربه؛ اعمال و استعمال نماییم. در صورت میسر بودن؛ از پیشکسوتان و مرشدان رفیق و شفیق نصیحت و راهنمود دریافت نمائیم.

القصد در ردیف رسانه‌ها و ویب‌سایت‌های حی و حاضر کنونی ما که هر کدام به نوبه خویش عزیز و گرامی و غنیمت‌والا اند؛ کمینه چند صباحی است که ویب‌سایت روز نامه «اطلاعات روز» را بررسی انتقادی و اختصاصی نموده و بسیار خوشبختانه آنرا جداً سزاوار تایید و تحسین یافته‌ام.

میتوانم با مسئولیت خاطر نشان نمایم که این ویب‌سایت، مزایا و ویژگی‌های منحصر به فرد زیادی دارد. یکی از این مزایا پرداختن به موقع و قدرتمندانه به موضوعات، مسایل و اطلاعات روزانه است؛ طوریکه در هر آبدیت آن؛ مراجعه‌کننده به دغدغه‌های ذهنی و تاریکی‌های فکری روزمره خویش؛ مواد روشنگر

غالبا عمیق و چندین جانبه دستیاب میکند. به نظر میرسد گروه همکاران توانا و با انگیزه و پر انرژی پیرامون این ویبسایت وجود دارند که کمتر نیازمند همکاران دور و تصادفی است. تا جاییکه به نظرم رسیده شیوه ها و کویف نگارش ها نیز پالوده بوده چنان می نماید که مطالب خواه مخواه ادیت و ویرایش میگردند.

بنده اینجا یکی از نوشتار های وسطی این ویبسایت را گزین کرده خدمت عزیزان تقدیم میدارم تا "مشک آن باشد که خود بوید نه آنکه عطار گوید!"

فقط برای وضاحت یافتن استعاره «پیراهن عثمان» درین مقال؛ تذکر کوتاه مقدماتی را لازمی میدانم.

بعد از کشته شدن عثمان سومین خلیفه راشد که طی شورش دامنه دار مسلمانان ناراض از عملکرد خلافت او واقع گردید؛ معاویه حاکم شام ترتیبی میدهد که پیراهن پاره و خونین عثمان را؛ به بالای منبر مسجد شام ببرند و علم کنند. و به جهت قداست خلافت(مذمت خلیفه کُشی) تبلیغات و جنگ روانی سنگینی در شام به خونخواهی عثمان براه بیندازند، البته با مضمون و محتوای اتهام بر حضرت علی و اصحابش که معاویه و قبیلہ حضرت عثمان با ایشان کینه دیرینه داشتند و همچنان دارای اهداف بلند مدت در آینده بودند. به هرحال از احساسات عوام کمال بهره برداری را در شوراندن مردم علیه علی کردند، به طوری که چندین هزار نفر کنار "پیراهن علم شده عثمان" تجمع کردند و به سوگواری پرداختند، اشک ها ریختند! و به خونخواهی اش پیمان بستند، متعهد شدند که به بستر نیاسایند و با همسران خود مقاربت نکنند تا انتقام عثمان را بگیرند یا اینکه کشته شوند. و این "پیراهن" تا یکسال به نماد عزاداری شامیان مبدل شده بود.

از آن روزگار به بعد؛ توسط عقلا و فرزندگان و بالاخره مردمان عادی که نیت و اهداف عقب چنان علم کردن پیراهن عثمان خلیفه مقتول را دریافته بودند؛ کم کم به بهانه گیری ها و دسیسه کاری های خورد و بزرگ استعاره «پیراهن عثمان کردن» اطلاق می شد تا اینکه به یک ضرب المثل بزرگ مبدل گردید.\*

\*\*\*\*\*

اینهم نوشتار انتخابی از "اطلاعات روز"



[خادم حسین کریمی](#)

۱۸ ثور ۱۴۰۰

چند روز پیش، احمد مسعود پسر احمدشاه مسعود، برجسته ترین فرمانده نظامی شورش افغان ها در برابر حکومت کمونیستی و مقاومت در برابر جنبش طالبان، در مراسم گرامی داشت از ۲۹مین سالروز پیروزی مجاهدین بر حکومت داکتر نجیب الله گفت در صورت نیاز، «مجاهدین، علما و مقاومت گران» با استفاده از گزینه های نظامی برای برپایی حکومت اسلامی و ارزش های اسلامی وارد عمل خواهند شد. این سخن احمد مسعود، در واقع دو مخاطب دارد: طالبان و حکومت رییس جمهور غنی. آقای مسعود در این سخنرانی اش به طالبان پیام فرستاد که در صورت امتناع این گروه از رویکرد سیاسی و حل سیاسی منازعه ای افغانستان و چشم داشت به تصرف قدرت به واسطه ای گزینه ی نظامی، بقایای نیروهایی که پدرش آن ها را در دوره ی جهاد و مقاومت رهبری می کرد جبهه ی مردمی مقاومت را فعال خواهند کرد. مخاطب دوم پیام احمد مسعود، حلقه ی سیاسی رییس جمهور غنی است. نارضایتی از حکومت و آنچه جمیع مخالفان

سیاسی رییس‌جمهور غنی از آن به انحصار قدرت تعبیر می‌کنند، در سخنان آقای مسعود آشکار بود. تهدید به فعال‌کردن جبهه‌ی مقاومت در برابر طالبان در صورت پافشاری این گروه به جنگ و فشار نظامی، به عبارتی حاوی این پیام است که حکومت و نیروهای امنیتی ملی، به تنهایی طرف جنگ و صلح با طالبان نیست بلکه جبهه‌های متشکل از چهره‌ها و جناح‌های سیاسی و نیروهای مقاومت مردمی در موازات با حکومت، طرف سوم این منازعه و مصالحه را تشکیل داده است.

فارغ از پیام‌های سیاسی و نظامی که آقای مسعود به طالبان و حکومت رییس‌جمهور غنی فرستاد، اشاره‌ای او به «برپایی حکومت اسلامی و ارزش‌های اسلامی»، جز ساختن روپوشی از آموزه‌های اسلامی برای اهداف و مطالبات سیاسی، مصداق دیگری ندارد.

در طول چهار دهه‌ی گذشته، اکثر قریب به اتفاق جناح‌های سیاسی از اسلام و آموزه‌های آن، به‌عنوان روپوشی برای مطالبات و اهداف سیاسی‌شان استفاده کرده‌اند. این جناح‌ها چه زمانی که بر اریکه‌ی قدرت بوده‌اند یا در مقام اپوزیسیون و شورش، از «حکومت و ارزش‌های اسلامی» پیراهن عثمانی ساخته‌اند تا مطالبات و اهداف سیاسی‌شان را بپوشانند.

در چهار دهه‌ی گذشته، هدف غایی و نهایی جنگ‌ها، شورش‌ها، رقابت‌ها، ائتلاف‌ها و خصومت‌ها میان جناح‌های سیاسی، دستیابی به قدرت یا چگونگی توزیع قدرت سیاسی بوده است. به‌دلیل ظرفیت گسترده‌ای که در علم‌کردن اسلام و آموزه‌های اسلامی به‌عنوان روپوش مطالبات سیاسی جناح‌ها در جامعه‌ی افغانستان وجود دارد، جناح‌ها برای سربازگیری، جلب حمایت و به‌دست‌آوردن ابزارها و امکان‌های سیاسی و نظامی سعی کرده‌اند حکومت و ارزش‌های دینی و اسلامی را به مثابه‌ی پیراهن عثمانی علم کنند.

جناح‌های مجاهدین در طول ۱۳ سال جنگ در برابر اشغال‌کشور توسط ارتش سرخ و حکومت تحت حمایت‌اش در کابل، شورش‌شان برای ساقط‌کردن حکومت و به‌دست‌آوردن قدرت سیاسی را رنگ و مایه‌ی دینی دادند. با سقوط حکومت و ورود مجاهدین به کابل، آن‌ها موفق نشدند ماهیت و اهداف واقعی مبارزات

مسلحانه‌شان را پنهان نگه داشته و بر سر چگونگی توزیع قدرت سیاسی میان جناح‌های مختلف، درگیر خشونت‌های خونینی شدند زیرا هدف و دغدغه‌ی اصلی آن‌ها دستیابی به قدرت و چگونگی تقسیم قدرت بود. پس از سقوط طالبان و برپایی نظم سیاسی جدید، اهداف سیاسی واقعی جناح‌های مجاهدین عریان‌تر شد. شبیه به دوره‌ی حکومت کمونیستی، ایالات متحده و ائتلاف نظامی ناتو به افغانستان حمله کرد و نظم سیاسی مورد نظرشان را پایه‌گذاری کردند. به استثنای میکانیزم تعیین زعامت کشور به واسطه‌ی یک سازوکار دموکراتیک، تفاوت‌های چندانی میان این دو برهه‌ی تاریخ معاصر افغانستان وجود ندارد. چرا جناح‌های مجاهدین، نه‌تنها به شورش دست نیازیدند که در عمل به شرکای بومی ایالات متحده و جامعه‌ی جهانی در نظم سیاسی پس از طالب تبدیل شدند؟ زیرا آن‌ها به دنبال مشارکت در قدرت سیاسی بودند و به این مطالبه‌شان دست یافتند.

جنبش طالبان به محض ظهور در قندهار، اعلام کرد که به دنبال برپایی یک حکومت اسلامی و جمع کردن بساط نیروهای «شر و فساد» هستند. این گروه پس از پیشروی به سمت پایتخت و برپایی حکومت‌شان، در یک دوره‌ی زمانی ۵ ساله از منادیان تشکیل حکومت اسلامی و حراست از ارزش‌های اسلامی به تروریزم فراملیتی سقوط کردند. طالبان به حمایت کشوری زاده و حمایت شد که سبک زندگی در آن، هیچ شباهت و نزدیکی با سیستم سیاسی و اجتماعی متحجرانه و بنیادگرایانه‌ی موردنظر طالبان ندارد. برخلاف پیراهن عثمانی که طالبان از حکومت و ارزش‌های اسلامی ساختند و کماکان علم کرده‌اند، این گروه، به‌عنوان نیروی جنگی نیابتی پاکستان به دنبال دستیابی به قدرت و تضمین‌کردن نفوذ و سلطه‌ی پاکستان بر افغانستان بوده است.

افغانستان از صدها سال قبل به این‌سو سرزمین مسلمان‌هاست. مردمان ساکن در این جغرافیا در طول قرن‌های متمادی یکی از پایدارترین جوامع در وابستگی، تعلق و وفاداری به اسلام بوده‌اند. در عصر کنونی که بسیاری از کشورهای اسلامی تحت تأثیر غلبه‌ی سبک زندگی مدرن بشر، به نظم سیاسی و

اجتماعی بروز شده متمایل شده‌اند، افغانستان از معدود کشورهای اسلامی است که کماکان به سنت‌های دینی کهن، نظم و سبک زندگی کلاسیک اسلامی و آموزه‌های دینی وفادار مانده است. بنابراین در کشوری که مردمان آن برخلاف همکیشان عرب و فارس و ترک و پنجاب و کردشان، ارتباط و تعلق خود به سبک و نظم و آداب کلاسیک دینی را حفظ کرده‌اند، هیچ گروهی نمی‌تواند ادعا کند که برای برپایی نظم سیاسی اسلامی و حفاظت از ارزش‌های اسلامی می‌جنگد، زیرا این نظم و ارزش‌ها در مقایسه با دیگر کشورهای اسلامی، با قدرت و نفوذ کم‌نظیری در افغانستان و مناسبات اجتماعی آن حاکم است.

واقع این است که منازعه‌ی افغانستان ریشه در اختلافات عمیق بر سر توزیع قدرت سیاسی دارد. در طول چهار دهه‌ی گذشته، هدف و غایت اصلی و اساسی جناح‌های سیاسی درگیر در جنگ و مناسبات قدرت، دستیابی به قدرت و مشارکت سیاسی بوده است. همین اکنون، هدف غایی طالبان، چیزی جز دستیابی به قدرت سیاسی و مشارکت در آن نیست. تأکید فریبنده‌ی این گروه بر ارزش‌های اسلامی، در عمل تلاش برای فراهم‌شدن شرایطی است که بتواند دوام حضور این گروه در قدرت را تضمین کند. در نظم سیاسی و اجتماعی مورد نظر طالبان، این گروه موفق می‌شود ابزارها و امکان‌های خلع‌شدن‌شان از قدرت سیاسی را نابود کند.

برای پایان منازعه‌ی افغانستان، راهی جز پذیرش و به رسمیت‌شناختن ریشه‌های اصلی منازعه نیست. جناح‌های سیاسی و گروه‌های تباری، یا به‌دنبال انحصار قدرت‌اند یا در تلاش‌اند که انحصار قدرت بشکند و قدرت سیاسی در یک توافق جامع و منطقی میان گروه‌ها مختلف سیاسی، قومی و فرهنگی تقسیم شود. کشمکش میان انحصار قدرت و شکست انحصار قدرت، عامل اصلی چهل سال خونریزی، ویران‌گری و خشونت در افغانستان است. مادامی که ماهیت اصلی و واقعی این منازعه به رسمیت شناخته نشود، پیراهن عثمانی که گروه‌های مختلف نظامی و سیاسی در چهل سال گذشته از اسلام و نظام اسلامی ساخته‌اند،

کماکان تنور جنگ و خشونت را در این جغرافیا مشتعل نگه می‌دارد و روزنه‌های به سمت وادی ثبات و مصالحه گشوده نخواهد شد.

احمد مسعود که به یمن میراث سیاسی عظیم پدرش، امکانات و فضای سیاسی لازم برای تأثیرگذاری بر مناسبات سیاست و قدرت را به‌دست آورده، نباید با علم‌کردن یک مطالبه و مسأله‌ی بی‌بنیاد، غیرواقعی و فریبنده، ریشه‌های اصلی منازعه‌ی افغانستان را پنهان و مسیر دست‌یابی به زیست مسالمت‌آمیز و پایان‌دادن به منازعه را منحرف کند. او به‌دلیل ارتباط خونی با شهیرترین فرمانده نظامی نیم‌قرن اخیر کشور و پیوند تنگاتنگ با یکی از مراکز اصلی مبارزه برای شکست انحصار قدرت، بیش از هر کسی دیگر می‌داند که ریشه‌های اصلی منازعه‌ی افغانستان که چهل سال قبل آغاز شد، چیست. ممکن است تأکید تاکتیکی او بر حکومت اسلامی و ارزش‌های اسلامی، نیروهای بومی وفادار به پدرش را به بازشدن یک جبهه‌ی سیاسی و نظامی جدید تحت رهبری خودش ترغیب کند اما به قربانی‌شدن هدف به پای تاکتیک و ابزار منجر می‌شود.

احمد مسعود برخلاف اسلاف‌اش باید این شهامت سیاسی را داشته باشد که عریان و بی‌پرده ریشه‌های اصلی منازعه‌ی افغانستان را برملا کرده و شکست انحصار قدرت به‌عنوان داعیه‌ی محوری نیروهای سیاسی و نظامی را که در محور فرماندهی پدرش گرد آمده بودند به مثابه‌ی خط مشی اصلی فعالیت‌های سیاسی‌اش معرفی کند. ممکن است ساختن روپوش اسلامی برای این مطالبه‌ی سیاسی به‌لحاظ تاکتیکی ابزار‌هایی برای او فراهم آورد اما پیراهن عثمان‌ساختن اسلام، فرجامی جز جاری‌شدن خون ندارد. چهل سال است که افغانستان در حمام خونی که گروه‌ها با پیراهن عثمان‌ساختن از اسلام و حکومت اسلامی و ارزش‌های اسلامی به‌وجود آوردند، تا گلو غرق شده است. شننا کردن در این حمام خون ممکن است برای احمد مسعود یا هر جناح سیاسی دیگر از گلبدین حکمتیار تا ملا عمر و از برهان‌الدین ربانی تا ملا هیبت‌الله، یک فانتزی سیاسی کم‌هزینه باشد اما برای مردم افغانستان تباهی و سقوط در وحشت و بربریت بوده است.



[/https://www.etilaatroz.com/123616/islamic-government-as-shirt-of-uthman](https://www.etilaatroz.com/123616/islamic-government-as-shirt-of-uthman)

\*داستان "پیراهن عثمان" چیست؟ علت این ضرب المثل